



رضوانی‌نیا- چمران مردمدار بود. نه در شعار بلکه در عمل. مردمداری را باید از او آموخت. چنان که برادرش از سیره عملی مصطفی در لبنان می‌گوید که چه سان با مردم می‌جویشید و برای احقاق حقشان می‌خروشید. چمران بزرگ بود و از اهالی فردا و این گونه بود که مشیت زمان‌های بعد را هم باز می‌کرد. چنین بود که فردا را برای مردم نسل خود باز می‌گفت. گویی درها را دیده بود و چنین‌هم مردان بزرگ. چمران بزرگ بود اما نه این که دیگران را د تماشای خویش به حیرت وادار بلکه حیرت را از دیده و ذهنشان پاک می‌کرد و دست آن‌ها را می‌گرفت و تا رفعت بزرگی برمی‌کشید. او خواستن و توانستن را در ضمیر و پیکر افراد به اوج می‌رساند تا از آدم‌های خسته و برجا‌نشسته، بزگانی ایستاده و پرتلاش بسازد. چمران، گوهرشناس بود، چه در لبنان و چه در ایران گوهرهایی که توسط او کشف شدند هرکدام به افتخاری برای کشور خود و حتی برای جهان تبدیل شدند، سرداران شهیدی که شهادت را در تن زمان جاری کردند و کام مردمان را به شهود عادت دادند، و آنان که مانند هم بزرگی کردند و بزرگی آموختند و از آن جمله است سیدحسن نصرا... جوانی ۱۸ ساله در رکاب چمران که امروز نماد غیرت اسلامی است.

چمران از جمله زندگانی است که می‌تواند اسوه و الگوی نسل حاضر و نسل‌های بعد باشد هم از حیث علمی، هم عملی. هم جهاد، هم عرفان. هم مدیریت و فرماندهی و وزارت و هم مردم‌داری. او یک مدل موفق انسانی است. چمران، بزرگ بود و بزرگ خواهد ماند و

ما به این بزرگی امید بسته‌ایم. آن چه در پی می‌آید حاصل گفت‌وگوی خیرنگار خراسان است با مهندس مهدی چمران، رئیس شورای اسلامی شهر تهران و برادر دکتر مصطفی چمران که زوایای تازه‌ای از زندگی چمران را بازمی‌گوید.

✽ جناب آقای مهندس چمران با توجه به این که کریلا و عاشورا جایگاه خاصی و ارزشی در اندیشه شهید چمران دارد، این اعتقاد و نگرش در زندگی و مبارزات او چگونه بروز و ظهور یافت؟

– شهادت و اعتقاد و عشق به امام حسین(ع) سراسر زندگی او را فراگرفته بود. در یکی از دست‌نگاشته‌هایش از خدا می‌خواهد که او را با اصحاب امام حسین(ع) محشور کند و آرزو می‌کند که در خاک دادخ خوزستان در خون خود بغلند و به یاد عاشورا، خود را در قدم امام حسین(ع) بیفکنند و عهده هزار و چهارصد ساله «پاینتی کثامک» را بکشاید. می‌نویسد: ای حسین من کریلا نیومد تا در رکاب تو بجنگم ولی به خوزستان آمدم و آرزو دارم که در کریلای خوزستان در رکاب تو به شهادت برسم اما یک آرزوی دیگر هم دارم و آن این که تو در کریلا بر بالین یکایک شهدا حاضر می‌شدی آن‌ها را می‌بوسیدی، می‌بوییدی، سرشان را به دامن می‌گرفتی، آیا می‌شود هنگامی که من نیز به خاک شهادت می‌افتم تو دست بر قلب سوزان من بگذاری و آتش عشق مرا به خودت و به خدای خودت سیراب کنی.

✽ عرفان یکی از ابعاد برجسته شخصیت شهید چمران است عرفان او چه مولفه‌هایی دارد و وجه تمایز آن از شبه عرفان‌های غربی و شرقی چیست؟

✽ مهم‌ترین مولفه عرفان او، و لایتنی بودن است، خیلی از داعیه‌داران عرفان این گونه نیستند. اما عرفان او در درجه اول ولایتی بود و از عرفان مولی‌علی(ع) ریشه گرفته بود. همچنین عرفان او یک عرفان عملی بود نه یک عرفان خشک و پوچ و بی‌مغز. عرفان او کاملاً مثبت و الهی و مکتبی و سازنده بود. دیدیم که او هرکجای دنیا که رفت، می‌ساخت، سازمان‌شکلی می‌داد و کارهای عملی می‌کرد، کارش هم نمونه و بی‌نظیر بود و تأثیرات آن هنوز در دنیا باقی است.

تأثیر کارهایی که در لبنان و ایران و حتی آمریکا انجام داد هنوز باقی است. انجمن اسلامی دانشجویان مسلمان که او در آمریکا تشکیل داد هنوز فعال است و یکی از هم‌کلاسان او می‌گوید: من می‌کند که در خاک دادخ خوزستان در خون خود به یاد عاشورا، خود را در قدم امام حسین(ع) بیفکنند و عهده هزار و چهارصد ساله «پاینتی کثامک» را بکشاید. ای حسین من کریلا نیومد تا در رکاب تو بجنگم ولی به خوزستان آمدم و آرزو دارم که در کریلای خوزستان در رکاب تو به شهادت برسم اما یک آرزوی دیگر هم دارم و آن این که تو در کریلا بر بالین یکایک شهدا حاضر می‌شدی آن‌ها را می‌بوسیدی، می‌بوییدی، سرشان را به دامن می‌گرفتی، آیا می‌شود هنگامی که من نیز به خاک شهادت می‌افتم تو دست بر قلب سوزان من بگذاری و آتش عشق مرا به خودت و به خدای خودت سیراب کنی.

✽ عرفان یکی از ابعاد برجسته شخصیت شهید چمران است عرفان او چه مولفه‌هایی دارد و وجه تمایز آن از شبه عرفان‌های غربی و شرقی چیست؟

✽ شهادت را در آغوش کشید و به اوج پرکشید و به لقدا... رسید و به سوی معبودش شافت تا عند ربهم برزقون شود.

روح عاشق
شهید دکتر چمران روحی عاشق داشت و همین روحیه اسلامی و مذهبی و تقویت روحیه و اعتقادات اسلامی و مکتبی، ورزیده‌ترین، زنده‌ترین و شجاع‌ترین زندمندان اسلام را تربیت کرد که فرزندان و شاگردان او امروز نیز لبنان براساس همین اعتقادات و روحیه شهادت‌طلبی، حماسه‌ها می‌آفرینند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران مشافهانه همراه با گروه ۹۳ نفره نخبگان مذهبی و سیاسی لبنان به ایران آمد و به دیدار امام بزرگوار خود شتافت و بنا به توصیه امام راحل در ایران ماند. با آن که در استمرار برنامه‌های خود در لبنان دخالت داشت، در ایران نیز به دستور امام(ره) از پایه‌گذاران سپاه بود و سپس در فرونشاندن توطئه‌های خطرناک و جدایی‌طلبانه دشمن در کردستان با آن که معاون نخست‌وزیر بود، پس از رزم بر تن کرد و سلاح بر دوش گرفت و با سازمان دهی و به‌کارگیری نیروهای مسلح و به‌خصوص مردمی، به خنثی کردن توطئه‌های سخت دشمنان برآمد و نام خود و پایه و حوادث حماسه‌ساز آن و فرمان تاریخی امام خمینی(ره) را برای همیشه در تاریخ ثبت کرد. با آغاز جنگ تحمیری ایران خوزستان شد و فرماندهی نیروهای داوطلب مردمی و نظامی را تحت عنوان «ستاد جنگ‌های نامنظم» برعهده گرفت و کتابی قطور از رشادت‌ها، شهادت‌ها، حماسه‌ها و مقاومت‌ها را قلم زد. بالاخره در بعد از فوت جهان‌شمارنده و شجاع او و دوستان روحیه می‌بخشید و پشت دشمنان متجاوز را می‌لرزاند. در ظهر روز ۳۱ خرداد ماه ۱۳۶۰، در روستایی به نام «دهلاوه» در نزدیکی سوگسگرد با ترکش خمپاره دشمن،

مهندس مهدی چمران گفت‌وگو با خراسان بیان داشت:

چمران معلم مردم‌مداری بود

✽ مهم‌ترین مولفه عرفان او، و لایتی بودن است، خیلی از داعیه‌داران عرفان این گونه نیستند. اما عرفان او در درجه اول ولایتی بود و از عرفان مولی‌علی(ع) ریشه گرفته بود. همچنین عرفان او یک عرفان عملی بود نه یک عرفان خشک و پوچ و بی‌مغز. عرفان او کاملاً مثبت و الهی و مکتبی و سازنده بود. دیدیم که او هرکجای دنیا که رفت، می‌ساخت، سازمان‌شکلی می‌داد و کارهای عملی می‌کرد، کارش هم نمونه و بی‌نظیر بود و تأثیرات آن هنوز در دنیا باقی است.

تأثیر کارهایی که در لبنان و ایران و حتی آمریکا انجام داد هنوز باقی است. انجمن اسلامی دانشجویان مسلمان که او در آمریکا تشکیل داد هنوز فعال است و یکی از هم‌کلاسان او می‌گوید: من می‌کند که در خاک دادخ خوزستان در خون خود به یاد عاشورا، خود را در قدم امام حسین(ع) بیفکنند و عهده هزار و چهارصد ساله «پاینتی کثامک» را بکشاید. ای حسین من کریلا نیومد تا در رکاب تو بجنگم ولی به خوزستان آمدم و آرزو دارم که در کریلای خوزستان در رکاب تو به شهادت برسم اما یک آرزوی دیگر هم دارم و آن این که تو در کریلا بر بالین یکایک شهدا حاضر می‌شدی آن‌ها را می‌بوسیدی، می‌بوییدی، سرشان را به دامن می‌گرفتی، آیا می‌شود هنگامی که من نیز به خاک شهادت می‌افتم تو دست بر قلب سوزان من بگذاری و آتش عشق مرا به خودت و به خدای خودت سیراب کنی.

✽ عرفان یکی از ابعاد برجسته شخصیت شهید چمران است عرفان او چه مولفه‌هایی دارد و وجه تمایز آن از شبه عرفان‌های غربی و شرقی چیست؟

✽ شهادت را در آغوش کشید و به اوج پرکشید و به لقدا... رسید و به سوی معبودش شافت تا عند ربهم برزقون شود.

بزرگمردی به نام مصطفی چمران

جلسات زمانی برگزار شد که شهید چمران دریافته بود به دلیل نبود آگاهی و تسلط کافی دانشجویان به زبان غربی، این دعا که «از قلب و روح علی(ع) برخاسته و علی(ع) آن را به دوست خود کمیل تعلیم داده است» چنان که شایسته آن است، قدرش به جا نمی‌آید. پس مصمم شد تا دعای کمیل را به فارسی برگرداند، اگرچه می‌دانست ترجمه معانی بلند و عرفانی کلام امیرالمومنین علی(ع) آن‌گونه که شاید و باید ممکن نیست، ولی تمامی سعی و همتش را به کار بست تا از آن ترجمه‌ای روان، پاکیزه و گویا ارائه کند.

توکل و رضا
«تو را شکر می‌کنم که از سوچی‌ها، ناپایداری‌ها، خویشی‌ها و قید و بندها آزاد کردی و مرا در توفان‌های خطرناک حوادث رها نمودی، در روغای حیات، در مبارزه با ظلم و کشر غرق کردی، لذت مبارزه را به من چشاندی، مفهوم واقعی حیات را به من فهماندی... فهمیدم که سعادت حیات در خویشی و آرامش و آسایش نیست، بلکه در جنگ و در رنج و مصیبت است».

و مبارزه با کفر و ظلم و بالاخره در شهادت است.
خدایا تو را شکر می‌کنم که به نعمت «توکل و رضا» عطا کردی، و در سخت‌ترین توفان‌ها و خطرناک‌ترین گردبادها، آن‌چنان‌به

نداشتند.
او از مسیر کتاب‌های دکتر شریعتی با آشنا شده بود و علاقه زیاد و زیبایی به کتاب‌های شریعتی داشت. در لبنان از آن‌ها استفاده می‌کرد و حتی کتاب‌های «فاطمه، فاطمه است»، «ای برادر» و یکی، دو کتاب دیگر را به عربی ترجمه کرده بودند که آن زمان برای لبنان بسیار زیبا و ارزنده بود، و وقتی شریعتی درگذشت و او را در کنار مرقد حضرت زینب(س) دفن کردند چمران در چهلدکتر شریعتی مرتبه بسیار زیبایی بر مزار او خواند که «ای علی هیچ گاه فکر نمی‌کردم زمانی من بر تو مرتبه بی‌خوانم...» جلسه‌ای هم در بیروت برای بزرگداشت شریعتی گرفتند که با مخالفت‌های شدید شاه روبه‌رو شد و دولت آن روز لبنان که رابطه خوبی با شاه داشت جلسه را به هم زد.

حتی برق شهر را قطع کرد و مجبور شدند جلسه را در حسینیه‌ای برگزار کنند که امام موسی صدر و یاسر عرفات در آن جلسه ارزنده حضور داشتند و چمران محور این جلسه بود. او از نکات مثبت دکتر شریعتی به خوبی استفاده می‌کرد.

✽ قرار بود فیلمی در مورد شهید چمران ساخته شود شما در جریان روند ساخت آن هستید؟



– قرار بود فیلم‌هایی در مورد ایشان ساخته شود ولی هنوز خبری نیست.

فیلم‌نامه‌ای آقای سیدمهدی شجاعی نوشته که باید اصلاحاتی روی آن انجام شود. آن فیلم‌نامه فعلاً دست من است مقدار زیادی از اصلاحات را انجام داده‌ام و بقیه‌اش هم در حال انجام است. آقای حاتم‌کیا الاا چند سالی است دارد کار می‌کند ولی هنوز به نتیجه نرسیده است.

من اطمینان و آرامش دادی که با سرنوشت و همه پستی‌ها و بلندی‌هایش آشتی کردم و به آن‌چه تو بر من مقرر کرده‌ای رضا دادم.

خدایا در مواقع خطر مرا تنها نگذاشتی، تو در کویر تنهایی انیس شب‌های تار من شدی، تو در ظلمت ناامیدی، دست مرا گرفتی و کمک کردی... که هیچ عقل و منطقی قادر به محاسبه بی‌نیی نبود، تو بر دلم اتمام کردی و به رضا و توکل مرا مسلح نمودی، و در میان ابرهای ابهام و در مسیر تاریک، مهجور و وحشتناک مرا هدایت کردی.»

قربانی
خدایا تو به من دستور دادی که در راه تو قربانی شوم. فوراً اجابت کردم و مشتاقانه به سوی قربانگاه عشق حرکت کردم... اما تو می‌خواستی که این قربانی هرچه باشکوه‌تر باشد، لذا دوستانم را و فرزندانم را و عزیزترین گانم را به قربانی بدریزی... و مرا در آتش اشتیاق گذاشتی... **خدایا!**

ابراهیم را گفתי که عزیزترین فرزندش را قربانی کند، و او اسماعیل را مهیای قربان کرد...
شما که به پدر کاردار به گلولی فرزندش نزدیک می‌کرد، ندا آمد دست نگدار.
ابراهیم آزمایش خود را داد ولی اسماعیل هنوز به آن درجه تکامل نرسیده بود که قربان شود (استخفاف قربانی شود) زمان زیادی گذشت، تا قربانی کاملی، که عزیزترین فرزندانم آدم بود، به درجه ارزش قربانی شدن رسید و در همان راه خدا قربانی شد و او حسین بود.

مدعیان اسلام!
اسلام معیارهایی دارد- هرکس خود را مسلمان گفت و یا خطا می‌کرد خوند نباید بی‌چون و چرا مورد قبول واقع شود- عمل و پاکی و تقوی و التزام به معیارهای اسلامی و انقلابی است که مبین و مشخص افراد می‌باشد.

مشکل ما این است که امروز هر کسی با هر سابقه‌ای و هر معیاری و هر اخلاقی ریش می‌گذارد و اظهار تقدس می‌کند و با شعارهای تند وارد معرکه می‌شود و دیگر هیچ‌کس را قبول ندارد و عملش جز هرج و مرج و آشوب چیز دیگری نیست.

و نیز گویاترین حقیقت زمانه را و حقیقی‌ترین نیاز مردمان روزگارش را چه شیرین و ممتسمانه از پروردگار رحمان می‌طلبید؟

خدایا!
می‌دانم که اسلام پیامبر تو با «ته» آغاز شد و تشیع دوست تو نیز به «ته» آغاز شد. مرا، ای فرستنده محمد(ص) و ای دوستدار علی(ع) به «اسلام آری» و به «تشیع آری» کافر گردان(۶)!

پی‌نوشت‌ها:

- قسمتی از نامه مشهور چمران که در سوگ شریعتی نوشته شد.
- شریعتی، دکتر علی – نیایش – چاپ چهارم ۱۳۷۰
- انتشارات الهام – ۹۹
- اشاره به شعر «غم این خفته چند، خواب در چشم ترم می‌شکنه از نیما یوشیج
- شریعتی، دکتر علی – نیایش – چاپ چهارم ۱۳۷۰
- انتشارات الهام – ۱۱۷
- همان. ص ۱۸

خلاصه آگهی مزایده

فروش محصول سردرختی

باغ موقوفه عبدالله رضوی

اداره اوقاف و امور خیریه ناحیه یک

مشهد در نظر دارد محصولات سردرختی

باغ سوران (هلو- شلیل- گلابی

سیب پاییزه و گردو)

مربوط به موقوفه عبدالله رضوی را از طریق مزایده حضوری در تاریخ ۱۳۸۷/۲/۵ به فروش برسانند.

متقاضیان می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر و آگاهی از شرایط مزایده به دبیرخانه اوقاف ناحیه یک مشهد واقع در خیابان آیکوه- روبه روی پمپ بنزین سعدآباد مراجعه نمایند.

۱۷/۱۵/۳۷۸

CMYK

اگرچه جهان وطنی بود و اعتقادش به دفع ظلم از همه جهان، اگرچه هرجا مظلومی، ندای کمک‌خواهی سرمی‌داد، قلب چمران می‌تپید. اگرچه او عاشق آزادی همه انسان‌ها بود، اما او را هم موعظی است و تاریخ تولد و شناسنامه‌ای و... او را زندگانی است آن‌سان که همه از سر می‌گذرانند اما عاشقانه‌تر از سرگذراند...

مصطفی چمران که در سال ۱۳۱۱ تولد یافت، دوران کودکی و ابتدایی را در دبستان انتصابیه تهران خیابان ۱۵ خرداد- عودلاجان و دوران متوسطه خود را در دبیرستان‌های دارالفنون و البرز سپری کرد و سپس وارد دانشگاه فنی دانشگاه تهران شد و در سال ۱۳۳۵ در رشته برق فارغ‌التحصیل و شاگرد ممتاز شد. او همیشه در تمام دوران تحصیل پشتباز و نمونه بود، علاوه بر آن که در همه مبارزات سیاسی و مذهبی حضوری فعال داشت؛ نمونه‌ای از یک نوجوان و جوانی پاک، پرتلاش و عمیق و برای همه دوست‌داشتنی بود. با استفاده از بورس شاگرداولی برای ادامه تحصیل راهی آمریکا شد و ابتدا در دانشگاه نگراس درجه فوق لیسانس مهندسی برق و سپس در یکی از بزرگترین و مهم‌ترین دانشگاه‌های معروف آمریکا «نیوکی» در کالیفرنیا و با همراهی برجسته‌ترین استادان فیزیک، دکتری خود را در رشته الکترونیک و فیزیک پلاسما به عالی‌ترین نمرات دریافت کرد و مدتی در یکی از مراکز مهم تحقیقاتی روی زمین در کنار دانشمندان و پژوهشگران بنام، سرگرم تحقیق روی پروژه‌های بزرگی، در زمان خود شد. باز هم در کنار این مسیر تحسین برانگیز و منظم، پایه‌گذار و سازمان‌دهنده مبارزات ضلالت‌ستیزی و ضد رژیم طاغوتی شاه و پایه‌گذار فعالیت‌های گسترده اسلامی در آمریکا بود. انسان را به آسمان‌ها صعود می‌دهد و روح را از زندان و یسبگی‌های زمینی آزاد می‌کند. این غم و درد همچون آتشی مقدس شمع وجود آدمی را روشن می‌کند و جسم را می‌سوزاند و مصداق حیات را به صورت آتشک تقدیم محبوب می‌کند. و نتیجه این سوزش، نور است و روشنی و من این نوع درد و غم را زیبا و پاک، و وصف می‌کنم من آن راهی را و مکتبی را مقدس می‌نامم که غم‌ها و دردهای کثیف آدمی را به زیبا و پاک مبدل کند و آن شخصی را تقدیس می‌کند که روحتش و احساسش و افکارش، قلب آدمی را صفا و جلا دهد و غم‌ها و دردهایش را زیبا و متعالی کند. روح را از قفس جسم آزاد کند و به آسمان‌ها صعود دهد.

براین پایه دکتر علی شریعتی بی‌نیاهت قبایل تقدیس است، آدمی را منتقل می‌کند. روح را از قید زمان و مکان آزاد و از اولیت و ابدیت متصل می‌کند و در آسمانها به سیر و سیاحت می‌بردازد. ... همه علاقه‌های پست مادی و وابستگی‌های زمینی را پست و بی‌مقدار می‌کند و همه غم‌ها و دردهای شخصی و مذهبی و مادی را از بین می‌برد... (۱۶)

این کلمات شگرف و معنایی بلند و دور از دسترس، تارواید از قلم یک فیزیکدان برجسته ایرانی و استاد ممتاز فیزیک دانشگاه‌های آمریکاست!

این کلمات شگرف با معانی آسمانی اش، تراوش‌های ذهن و قلم سربازای رستگار از خیل سرفرازی است که جان و دل خود را بر پاسبانی از وطن و عقیده و ایمان خود، به محبوب بی‌همتای خویش هدیه کردند.

این کلمات عزیز سوگ‌نامه چمران بر سوگ دوست درست‌پیمان خویش، علی شریعتی است. همو که «درد» را با همه معنای عظیم و لطیفش بر قندیل قوت خویش می‌بندد و این گونه در آسمان راز و نیاز به جلوه‌اش می‌نشاند: «خدایا مرا به ابتدال آرامش و خوشبختی مکشان، اضطراب‌های بزرگ، غم‌های ارجمند و حیرت‌های عظیم را به روحم عطا کن، لذت‌ها را به بندگان حقیرت بخش و دردهای عزیز را به جانم بیز(۱۷)

این دو بزرگ، از کلام دردها و غم‌های مقدس می‌گویند که کام خویش را طعشتگان جرحه‌رغوشی از نیام آن دردها و اندوه‌ها می‌دانند. ستم نیاز به ستم پروردگار بی‌نیاز، به تمنای هرچه تمام‌تر بلند می‌کنند و از تاک‌طربناک دعا و نیاز و راز، خوشه می‌چینند. این دو عزیز از کلام دردهای عظیم و حیرت‌های ارجمند می‌گویند؟

در توده‌های انسانی که قرن‌های متمادی، سنگ‌های سنگین قبور فراغه را از فرسنگ‌ها به دوش کشیده و در زیر تحمل بار گران بی‌عدالتی و تبعیض و ستم سلاطین ستم سفره، جان خود را از دست می‌داده و به دنبال روزگار نجات و راهی از جنگال جنگ‌زندگان بر جان و مال و حیات خویش پوئند. و همچنین فریاد بلند چمران و شریعتی، فریاد پنهانی ۱۴۰۰ سال رنج‌مویه‌های فروخته‌شده است در

— 4 —